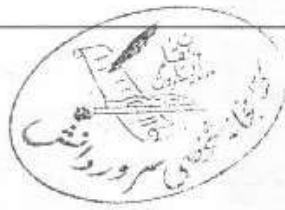


افسانه‌های دری



نام کتاب: افسانه‌های دری
گردآورنده و محقق: روشن رحمانی
ناشر: انتشارات سروش
سال نشر: ۱۳۷۴
تیراژ: ۳۰۰۰

فولکلور هر ملت، جزء ارزشمندترین میراث گذشتگان آن ملت است که در طول سالیان سال ذره ذره شکل گرفته است. از آن جایی که ملتها هر کدام عضوی از خانواده بزرگ بشری محسوب می‌شوند و در گذر تاریخ داد و گرفتار و تأثیرات بی‌شماری از یکدیگر داشته‌اند، میراث فرهنگی‌شان نمی‌تواند، منحصر به خودشان باشد، بلکه متعلق به کلیه انسانهاست. فولکلور هر ملتی بیانگر فکر، استعداد و هنر بخشی از انسانها در نقطه‌ای از زمین خاکی و در برهه‌ای از تاریخ است. بنابراین جوامع بشری مشترکاً در محافظت و نگهداری از این میراث گرانها مسؤولیت دارند. افغانستان سرزمینی است که از حیث فولکلور، قابل توجه است. این سرزمین با این که فرهنگ شفاهی غنی و پرباری دارد، تلاش چندانی در ثبت و ضبط آن مبذول نگردیده است و هر آن بیم آن می‌رود که برگه‌ای از این درخت سرسبز به زودی گراید و از شاخه جدا شود که در آن صورت امکان بازگرداندن آن به هیچ صورت نیست.

همین دغدغه و بیم بوده است که اندیشمندان تاجیک، جناب دکتر روشن رحمانی را به گردآوری قصه‌های عامیانه سرزمین همسایه‌اش وا داشته است. او با عشق و علاقه رنج تحقیق و جمع‌آوری را بر خود هموار نموده و بخش مهمی از افسانه‌های سرزمین افغانستان را با روش علمی و مطابق با اصول فولکلور در کتاب قطوری ثبت کرده و از گزند نابودی مصون داشته است. او که سالها در افغانستان به سر برده در دانشگاه تدریس کرده و با فرهنگ مردم افغانستان معاشرت داشته است، دریافت خود را از جایگاه افسانه و افسانه‌گویی در افغانستان در مقدمه کتاب چنین بیان می‌کند:

«عنعنه افسانه گفتن و افسانه شنیدن در بین مردم افغانستان تا امروز دوام داشته است. مردم افغانستان هنوز هم با ذوق و شوق در شبهای زمستان - خصوصاً در محافل، عیدها، جشنها، در مجالس و صحبت‌های خصوصی - افسانه می‌گویند و می‌شنوند. طبق معلومات این جانب هنوز هم در بعضی از دهها و شهرهای افغانستان راویان و ناقلانی هستند که روایت افسانه‌ای‌شان در یک شب و دو شب پایان نمی‌یابد. در جریان افسانه گفتن این راویان، در لحظه شوخی و مزاح همه با ذوق خنده می‌کنند و در لحظات محزون، عذاب، عقوبت جبر و جفا برای قهرمان افسانه اشک می‌ریزند. شنونده افسانه‌ها خرد و کلان، و پیر و جوان می‌باشند. هر شخص از خردسالی به شنیدن افسانه‌ها ذوق دارد. می‌توان این حالت را هم اکنون نیز به خوبی مشاهده نمود. از این رو خردسالان و جوانان نیز در موارد ضروری، با تقلید از بزرگسالان افسانه‌هایی نقل می‌کنند. ما این را در بین خردسالان و جوانان بارها دیده‌ایم. البته هستند راویان زنده‌ایی که اگر در حلقه شنوندگان باشند، فقط آنها قصه می‌کنند و دیگران سر تا پا با هوش و گوش تام می‌شنوند. طوری که در سطور فوق ذکر شد از این راویان خوش بیان در تمامی نواحی افغانستان بسیارند.»

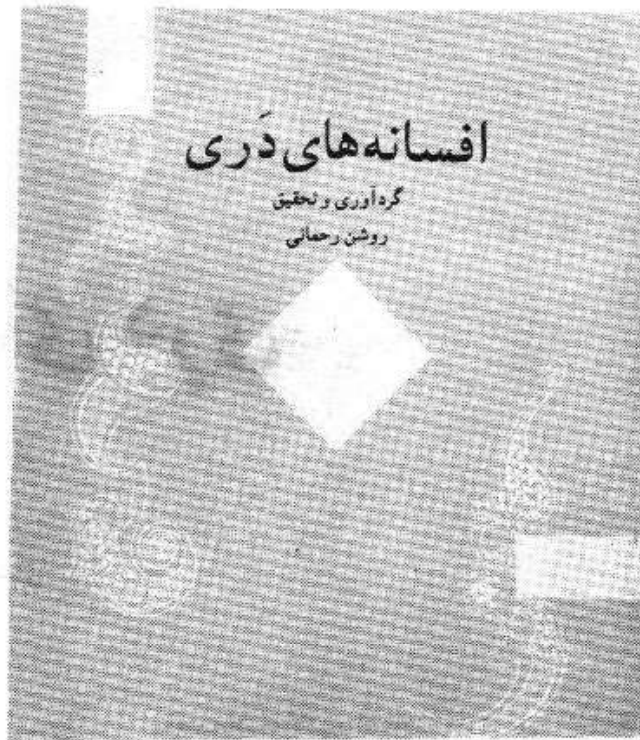
روشن رحمانی، با دانش و آگاهی لازم قدم در این وادی گذاشته و بحق کار درخور توجهی را در زمینه فولکلور تقدیم جامعه بشری کرده است. کتاب روشن رحمانی، از محدود کارهایی است که مطابق با اصول علمی در زمینه فرهنگ عامیانه افغانستان انجام شده است. خود او در مقدمه کتاب، فهرستی از کارهایی که در زمینه فولکلور افغانستان انجام

شده ارائه می‌دهد و ضمن قدردانی از مؤلفانش، همه را به خاطر عدم مطابقت با اصول علمی به باد انتقاد می‌گیرد.

کتاب «افسانه‌های دری» نود افسانه را در خود احتوی کرده است. گردآورنده در گردآوری این نود افسانه به دو طریق عمل کرده است. یکی این که افسانه‌ها را مستقیماً از زبان راوی در نوار کاست ضبط کرده و به همان صورت پیاده کرده است. در این دسته افسانه‌ها، لهجه راوی به شکل ارائه داده شده - با تمام خصوصیات ریز و درشتش - درج گردیده است. طریق دوم این که افسانه‌ها را به زبان ادبی نگاشته است ولی باز هم سعی کرده است که به قول خودش «گوش مردم نگاهداشته شود». با همه اینها، می‌توان به نویسنده به خاطر استفاده از روش اخیر خرده گرفت. زیرا با تبدیل کردن گویش محلی به لفظ قلم، بسیاری از ظرافتهای آن لهجه از بین می‌رود و کار ارائه داده شده تا اندازه زیادی اصالت خود را از دست می‌دهد. خود نویسنده با درک این نقیصه، در مطلب جداگانه‌ای که در آخر کتاب ضمیمه شده است، چنین از خود دفاع کرده است که مهم در قدم اول ثبت و ضبط افسانه‌ها و نجات دادن آنها از خطر نابودی است، بعد مسائل دیگرش: «یکی از وظایف فولکلور شناسان و عموماً دوستدار افسانه آن است که هر یک اثر تا امکان هست، ثبت و ضبط گردد؛ بگذار گویندگانش از جهت سن و سال و مهارت افسانه‌گویی گوناگون باشند. وقتی افسانه‌ای ثبت و ضبط می‌گردد درباره آن می‌توان اظهار نظر کرد، اما راجع به چیزی که در دست نیست یا ثبت و ضبط نگردیده است، اندیشه خویش را بیان کردن غیر ممکن است.»

محقق کتاب برای اینکه سندیت





افسانه‌های دری

گره‌آوری و تپیق
روشن رحمانی

افسانه‌هایش را به اثبات برساند، اسامی راویان افسانه‌ها را با مشخصات کامل از سن و جنس و زادگاه و سطح سواد، در فهرستی ذکر کرده است.

یکی از امتیازات این کتاب این است که مؤلف تنها به نقل افسانه‌ها نپرداخته است؛ بلکه افسانه‌ها را از لحاظ مضمون و فرم، طبقه بندی نکرده است. او افسانه‌های کتابش را به ۹ گروه عمده دسته بندی کرده است:

۱- افسانه‌های سحرآمیز: تعداد ۲۱ افسانه که حوادث عجیب و غریب و جادویی وجه غالب آنها را تشکیل می‌دهد، در این بخش گنجانده شده است.

۲- افسانه‌های سرگذشتی: افسانه‌هایی که پند، اندرز و عبرت، مضمون اصلی آنها تشکیل می‌دهد، در این بخش آمده است. این افسانه‌ها شبیه نقلیهایی می‌ماند که در گذشته اتفاق افتاده است.

در این افسانه‌ها، فضاهای جادویی و حوادث خارق‌العاده به شکل کم‌رنگ‌تری مشاهده می‌شود. قسمت اعظم افسانه‌های این کتاب، یعنی تعداد ۴۱ افسانه در این دسته قرار گرفته است.

۳- افسانه‌های طنزی: این بخش تعداد ۱۲ افسانه با مایه طنز را در خود احتوی کرده است.

۴- افسانه‌های عشقی: افسانه‌هایی که بار اصلی‌شان عشق و دلدادگی است در این گروه قرار گرفته است. مثل نقل معروف «مغول

دختر»، «حسینا»، و افسانه «طاهر و زهره».

۵- افسانه‌های تمثیلی: شخصیت‌های این افسانه‌ها عموماً حیوانات است که نقش بدل انسانها را بازی می‌کنند و با گفتار و رفتارشان عملکرد آنها را به باد انتقاد می‌گیرند و با این روش می‌خواهند آنها را پندی دهند.

۶- روایتها: افسانه‌هایی که مایه‌های اعتقادی دارد و مردم آنها را به عنوان باورهای مذهبی پذیرفته‌اند در این بخش قرار گرفته است. مثل قصه «موسی و فرعون»، و «جوانمرد قصاب». تعداد ۵ افسانه در زمره روایتها قرار گرفته است.

۷- حکایتها: اتفاق جالب و پندآموزی که در بیرون اتفاق افتاده و زیانزد مردم شده است. مردم این اتفاق را در مواقع مناسب در مجالس نقل می‌کنند. تعداد ۳۱ حکایت در این بخش آورده شده است.

مؤلف این کتاب نخواست است که کارهایش را محصور در منطقه یا لهجه خاص کند. او از مناطق مختلف افغانستان افسانه‌هایی را به گویش همان منطقه آورده و بدین طریق بر کتابش جامعیت بیشتری داده است. مهم‌ترین لهجه‌هایی که در این کتاب از آنها استفاده شده و به راحتی از یکدیگر قابل تشخیص‌اند، لهجه کابلی، لهجه هزارگی و لهجه هراتی است. اما تعدد لهجه، نقایص جزئی را به دنبال داشته و آن این که مؤلف کتاب که یک فرد تاجیکستانی است، طبعاً نمی‌توانسته ظرافتهای تمام این لهجه‌ها را درک کند. به همین دلیل در معنای و معادل آوردن بعضی از لغات و اصطلاحات

دچار اشتباه شده است. اینک چند واژه هزارگی را که درست معنا نشده است به عنوان نمونه می‌آوریم: (نقل بابه الف، نقل شکارچی، نقل بابه خارکش)

آغیل: جای حیوانات.

کلو: بزرگ، کلان

لوقی: مغرور، باغی

جی می‌زنه: جیغ می‌زند، فریاد می‌زند

قوسول: قصد

شان: شانه

آله‌کد: سیاست کرد

در حالی که معنای درست این واژه‌ها چنین است:

آغیل: قریه، جای حیوانات. اما در افسانه به معنای اول مورد نظر است.

کلو: زیاد. ممکن است از ریشه کلان به معنای بزرگ باشد، اما در افسانه به معنای زیاد است.

لوقی: آدمی که در هر کار دخالت می‌کند، پرور، خودنما، فضول

جی می‌زنه، جی زدن: بی‌صدایی محض، صدای سکوت مطلق

قوسول: انتقام، قصاص

شان: گمان

آله‌کد: حمله کرد

بهر حال کتاب «افسانه‌های دری» غنیمتی است برای فرهنگ عامیانه افغانستان و یقیناً مردم افغانستان تلاش این اندیشمند تاجیک را فراموش نمی‌کنند.

در پایان، مطلب جالبی را که مؤلف در آخر، ضمیمه کتاب کرده است، به نشر می‌سپاریم تا با دنیای رنگین افسانه‌ها بیشتر آشنا شویم.

دنیای رنگین افسانه

□ دکتر روشن رحمانی

افسانه هم شنونده و هم خواننده را به دوری و دوریها، به سوی آفتاب و مهتاب، به سوی ستارگان، به سوی دنیای پر اسرار کیهان، به سوی پیچ و تابهای مشکل فهم زندگی، به سوی رازهای نهان طبیعت و جمعیت می برد. و انسان را برای دانستن آن اسرار حیرت انگیز رهنمون می سازد و برای حل بسیاری مسایل سرسته مددگار می شود و در لحظات دشوار و سنگین زندگی مشکل کش را آسان می نماید و شخص را وادار می کند که توسط عقل و ذکاوت و اندیشه و خرد تا اندازه ای به مراد دلش برسد. افسانه از آن روزی که انسان خود را می داند و می شناسد و با همدیگر حرف می زند برای تربیت او نقش برآزنده ای داشته است. توسط افسانه آدمیزاد، آن دیو و آن اژدها و آن ابلیس و شیطان باطن خویش را اصلاح می کند، یا برای اصلاحش می کوشد؛ توسط افسانه انسان انصاف، نکوکاری، عدالت و سخاوت را تلقین می نماید و به این وسیله آدمیت و صمیمیت را به قلب یکدیگر جای می سازد؛ توسط افسانه کش به زمین، کوهها، درختان، صحراها، گیاهان، حیوانات، حشرات، برف و باران و خالص به همه چیز موجود در طبیعت خداداد دل می بندد و آنها را دوست می دارد.

افسانه به مغز پاکیزه و دل صاف و بی غبار کودکان اندیشه و آرزوهای شیرین، جهان بینی رنگین، مقصدهای دلنشین خوش بینانه عطا می نماید. کودکان با شنیدن یا خواندن افسانه با پری و فرشتگان آسمان، یا قهرمانان، و اشخاص با وجدان و با ایمان؛ غل و دیو وحشتناک، با مار و اژدهای دهشتناک آشنا می شوند و به این وسیله از تضادهای زندگی آگاه می گردند.

از این رو خواه و نا خواه انسان خیال پرداز و افسانه پرور در همه دور و زمان به افسانه روی می آورد و از آن بهره می برد؛ فکر و عقل و دل خویش را با افسانه روشن تر می کند؛ این روشنی را به نسلهای بعدی انتقال می دهد، تا که نسلهای بعدی به تسلهای آینده برسانند؛ همین طور افسانه را تا زمان ما آوردند. اکنون دانشمندان افسانه شناس در این صدوپنجاه - دویست سال به این نتیجه رسیدند که این گنج ارزشمند از گونه شنیداری به گونه نوشتاری مبدل نمایند، تا که افسانه را از دست فراموشی ابدی نجات دهند و هم آن را به نسلهای آینده بپارند.

این گردون گردنده و این چرخ چرخنده چه حادثهها و واقعهها را از سرگذرانیده است. همین حادثه و واقعه زندگی در هر دور و زمان در افسانههای رنگین و گوارای این یا آن قوم انعکاس یافته تا زمان ما رسیده است. از این رو در افسانه نشانههایی از روزگار پاستان تا زمان ما موجود است که انسان آرزو پرور در دور قطره قطره، اندک اندک، مشاهدههای خویش را نسبت به این یا آن رویدادهای زندگی کاملتر نموده در افسانههایش آن را بیان کرده است. محض همین ذرها و قطرههای خیالهای شیرین و رنگین بود که امروز بلبل گویا، مرغ سخنگو، اسب پَران، آینه جهان نما، و غیره... باعث پیدایش رادیو، کشتیهای کیهانی، تلویزیون شده و دیگر امیدهایی در اندیشههای خویش پرورده انسان عملی گردیده.

در افسانهها نه تنها روزگار خیالی و واقعی و دل انگیز آدمیان انعکاس یافته است، بلکه تمام ستهای مردمی، مناظر دلربای طبیعت،

روح و روان انسان در اشکال و انواع گوناگون تصویر گردیده است. حیوانات، حشرات، چیزهای سحرآمیز، همیشه به انسان مددگار بوده برای عملی نمودن کارهای مشکل کمک دهنده است. حتی آنها با قهرمانان افسانهها سخن می گویند، راه نشان می دهند، افسوس می خورند، اشک می ریزند و در عهد خود وفادار می مانند. هنگام تصویر حادثه و واقعهها راوی ماهر از بدیعت سخن، تشخیص، تشبیه، توصیف، مجاز، کنایه، رمز ضرب المثل و غیره... استفاده می نماید که از این راه فلسفه زندگی را می فهماند، روح و روان شخص را نشان می دهد، خلص برای عاقل و کامل شدن انسان مدد می رساند.

در افغانستان تاکنون مردم به افسانه گویی و افسانه شنوی علاقه دارند. حالا نیز در این کشور رنج دیده راویان شیرین گفتار بسیاریند ولی مجموعههای نشر گردیده انگشت شمارند. یکی از وظایف فلکلورشناسان و عموماً دوستداران افسانه آن است که هر یک اثر تا امکان هست، ثبت و ضبط گردد؛ بگذار گویندگانش از جهت سن و سال و مهارت افسانه گویی گوناگون باشند. وقتی افسانه ثبت و ضبط می گردد درباره آن می توان نظر خویش را گفت. اما راجع به چیزی که در دست نیست یا ثبت و ضبط نگردیده است اندیشه خویش را بیان کردن غیر ممکن است. از این رو بعضی اشخاص که افسانههای نشر شده را مطالعه می کنند و خود همین که افسانه را کاملتر و رنگین تر شنیده اند زود به آن نظر انتقاد نگریسته و می گویند: «من نسخه بهترین این افسانه را در یاد دارم، این افسانه ناقص است.» اولاً حق به





جانب اوست که ایشان افسانه مطالعه کرده‌اش را با افسانه‌ای که در ذهنش بوده مقایسه می‌کند. بعداً او شاید حق نباشد که بر گردآورنده راوی یک نسخه ناقص آن افسانه را نقل کرده است. مادامی که از آن نسخه ناقص یکی موجود است، این هم مفید است. ثالثاً خوب می‌بود همان شخص افسانه مورد نظرش را زود بر روی کاغذ می‌آورد و آن را از شکل شفاهی به صورت کتبی درمی‌آورد. و اگر آن نشر می‌کرد باز هم خوبتر بود، تا که پس از چاپ به دست محققین رسد و از نظر تحقیق دور نماند.

گردآوردن افسانه و تحقیق آن در کشورهای غربی بسیار پیش رفته. دانشمندان افسانه‌شناس به افسانه از هر جانب نظر افکنده‌اند که در نتیجه اثرهای زیادی راجع به ریخت شناسی افسانه‌ها، ریشه‌های تاریخی آن، مضمون و مندرجات آن، قهرمانان افسانه‌ها، بدیعیات و غیره ابراز عقیده کرده‌اند. ولی در کشورهای شرقی نه تنها آثار تحقیقی بلکه گردآوری خیلی شست است. مثلاً در افغانستان فقط آن اشخاصی که به فرهنگ مردم عشق و علاقه داشتند، بیشتر وقت خویش را صرف این کار نیک کرده‌اند. اگر در عین حال از جانب هر دوستی که باشد به چنین عاشقان فرهنگ مردم یاری می‌شد کارهای زیادی به سامان می‌رسید و نتیجه‌های دلخواه می‌داد. حال خوب می‌بود که زودتر در افغانستان نیز این گنج پریشان مردم، از جمله افسانه‌ها در دهها مجلد با گویشهای مختلف جمع‌آوری شود. هنگام گرد آوردن افسانه‌ها در آینده چنین

مسأله‌های خیلی ضرور و مفید را فراموش نباید کرد:

قبل از همه تا امکان هست افسانه کاملاً با گویش محلی و اگر چاره‌ای باشد در نوار ضبط گردد و عیناً بر روی کاغذ آورده و حتی سؤال و جواب بین راوی و شنونده که صورت می‌گیرد نوشته شود تا چاره‌ای هست افسانه را در محفل افسانه‌گویی ثبت و ضبط کرد تا که طبیعی و واقعی باشد. اگر افسانه‌گویان وارینت (گونه)‌های دیگر افسانه را گویند، حتماً باید نوشت. برای ضرورت تحقیق خوب می‌بود که راجع به افسانه‌گویان، مهارت آنها، طرز اجرای ایشان و لحظات افسانه‌گویی معلومات ضروری جمع‌آوری می‌شد. اگر افسانه‌گویی ماهر یافت شود که او افسانه‌های زیاد می‌دانسته باشد، حتماً همه افسانه‌های او ثبت و ضبط گردد. آدمیکان و زمان و شبهای افسانه‌گویی، قضا خواتنی، نقالی و غیره... با تمام جزئیاتش گردآوری گردد. همچنین همه اطلاعاتی که راجع به افسانه به نظر می‌رسد حتماً بر روی کاغذ آورده شود. هر قدر معلومات، نسبت به افسانه‌ها کامل‌تر باشد، همانقدر ما می‌توانیم به تحقیق همه جانبه افسانه‌ها مشغول گردیم، و وارد بحثهای علمی افسانه‌شناسی شویم. هر مباحثه و نظریات علی از پژوهنده، دلیلهای جدی را تقاضا می‌نماید. اگر دلیلی نباشد پس ما چگونه از اندیشه علمی خویش دفاع می‌کنیم؟ دلیل آنگاه قبول می‌گردد که آن از شکل شفاهی به شکل کتبی تبدیل یابد، یا در بایگانی موجود باشد و یا در کتاب نشر گردد. گرد آوردن مواد مایه اساسی کار

علمی بوده برای حل مسایل زیاد افسانه‌شناسی، خیلی مفید است. چونکه اساس تحقیق و تحلیلی نیز همین مواد مستند است. پس باید قبل از همه مواد شفاهی پریشان را بهر شکلی که باشد گردآوری کرد. کوشش نمود که افسانه‌های هر منطقه مستند با گویش عامی در مجموعه‌های جداگانه یا در چندین جلد چاپ گردد. هر قدر کتابهای افسانه‌گویان زیاد نشر شود، همانقدر کار تحقیقی نیز خوبتر صورت می‌گیرد. مثلاً ما اگر راجع به افسانه‌گویان مناطق گوناگون فارسی زبان اثر علمی نوشتن خواهیم در نتیجه نبودن مواد علمی چگونه می‌توان از عهده این کار برآمد؟

بهر حال هنوز کارهای زیادی راجع به بررسی افسانه‌ها در پیش است. یکی از کارهای مفید نشر چند جلدی افسانه‌های فارسی با گویشهای مختلف آن می‌باشد که این نیرو و توانایی می‌خواهد تا که به این کار دهها نفر مشغول شوند.

زبان فارسی، صدها سال زبان رسمی تمام کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورها بود که حالا زبان رسمی ایران، افغانستان و تاجیکستان است. ولی در مناطق زیادی از کشورهای ازبکستان، چین، قرقیزستان، پاکستان، قزاقستان و غیره... فارسی زبانان زندگی می‌کنند و هر کدام از این منطقه‌ها افسانه‌های خاص خود را دارند که جمع‌آوری، تحقیق و تحلیل آن انتظار عاشقان مردم ایرانی‌نژاد است.

نگاهی به

سرگذشت

موسیقی معاصر

افغانستان



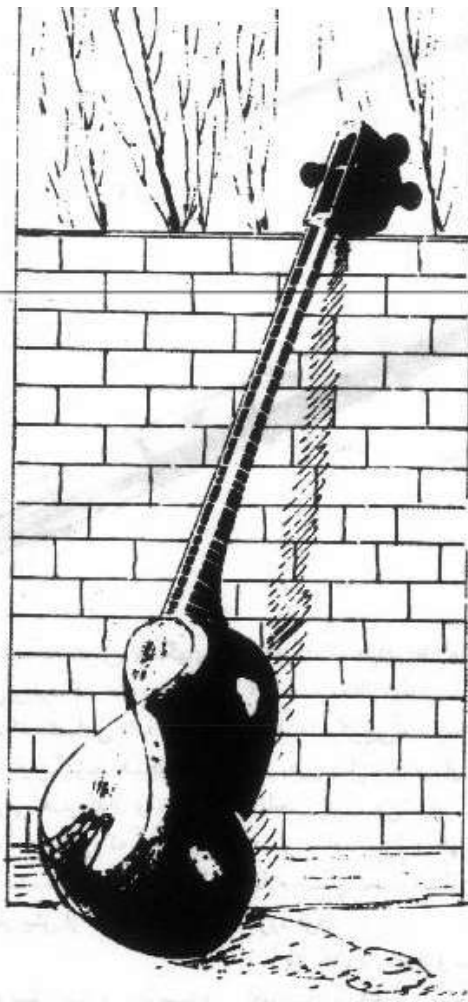
□ غفار یعقوبی

نام کتاب: سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان
مؤلف: عبدالوهاب مددی
چاپ اول: ۱۳۷۵
انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۳۸۴ صفحه، ۹۰۰۰۰ ریال

نخستین اثر مکتوب و نسبتاً جامع درباره موسیقی افغانستان از سال ۱۳۷۰ - ۱۳۴۲ هج^۱ و اطلاعاتی مربوط به سبکهای موسیقی، سازهای محلی و غیر محلی افغانستان، هنرمندان و... به قلم آقای - عبدالوهاب مددی - که خود از هنرمندان عرصه موسیقی افغانستان است و در طول چند دهه به نحوی عهده‌دار امور موسیقی افغانستان بوده به چاپ رسیده است.

این کتاب حاوی هفده فصل در ۳۸۴ ص است که در سال ۱۳۷۵ در ایران چاپ شده و بازار کتاب راه یافته است.

سرگذشت کتاب تلخ اما شنیدنی است: «باری این کتاب پس از آن همه تلاش، در سال ۱۳۷۰ و در کابل تدوین و حروفچینی شده بود تا در همانجا به چاپ برسد اما آن مطبعه با جنگهای اخیر در آن شهر، با همه کتابهایی که در زیر چاپ داشت، نابود شد و دیگر از سرنوشت نسخه اصلی کتاب خبری بدست نیامد. فقط یک کپی از آن نزد مؤلف باقی ماند. با شدت گرفتن جنگها، ایشان ناچار شد از خانه و زندگی خویش - که دیگر در خط مقدم جبهه دو نیروی متخاصم قرار داشت - چشم پوشیده و به جمهوری اسلامی ایران مهاجرت کند. آن مجموعه به همه مجلات، عکسها و نوارهایی که ایشان طی سالها فراهم آورده بود و گنجینه



گرانقدری از اسناد موسیقی معاصر افغانستان بود، در کابل جنگ‌زده باقی ماند... اما گویا شخصی از دوستان عزیز ایشان توانسته بود بخش کوچکی از اموال منزل را بیرون بکشد و به هرات بفرستد و آن نسخه کتاب بدین گونه بدست آمد...^۲

«مؤلف محترم کتاب سعی کرده از مقام یک ناظر و بدون موضعگیری ارزشی، اخلاقی یا اجتماعی خاصی فقط اطلاعات و چشم‌پندیده‌های خویش را منعکس کند و مخصوصاً تلاش داشته که بنا بر حفظ حرمت افراد خردگه‌گیری خاصی در زندگی خصوصی، رفتارهای اجتماعی و سبک هنری آنان نداشته باشد. در بررسی جریانهای و سبکهای موسیقی نیز ایشان بیشتر نقش یک راوی بی‌طرف را داشته...^۳»

با خواندن مطالب بالا - یادداشت ناشر - دانستیم که بنا به دلایلی، معرفی روشن و دقیقی - جز تعریف و تمجید - از هنرمندان و سرگذشت موسیقی چیزی دیگری بدست نمی‌آید. البته در لطافت روحیه و سلامت نفس نویسنده تردیدی نیست. همین موضوعات - مربوط به هنرمندان کتاب را از اعتبار و ارزش بیشتری برخوردار کرده است. اما با توجه به اینکه ملاک نویسنده برای معرفی هنرمندان مختلف، اهم از آوازخوانان و نوازندگان محلی

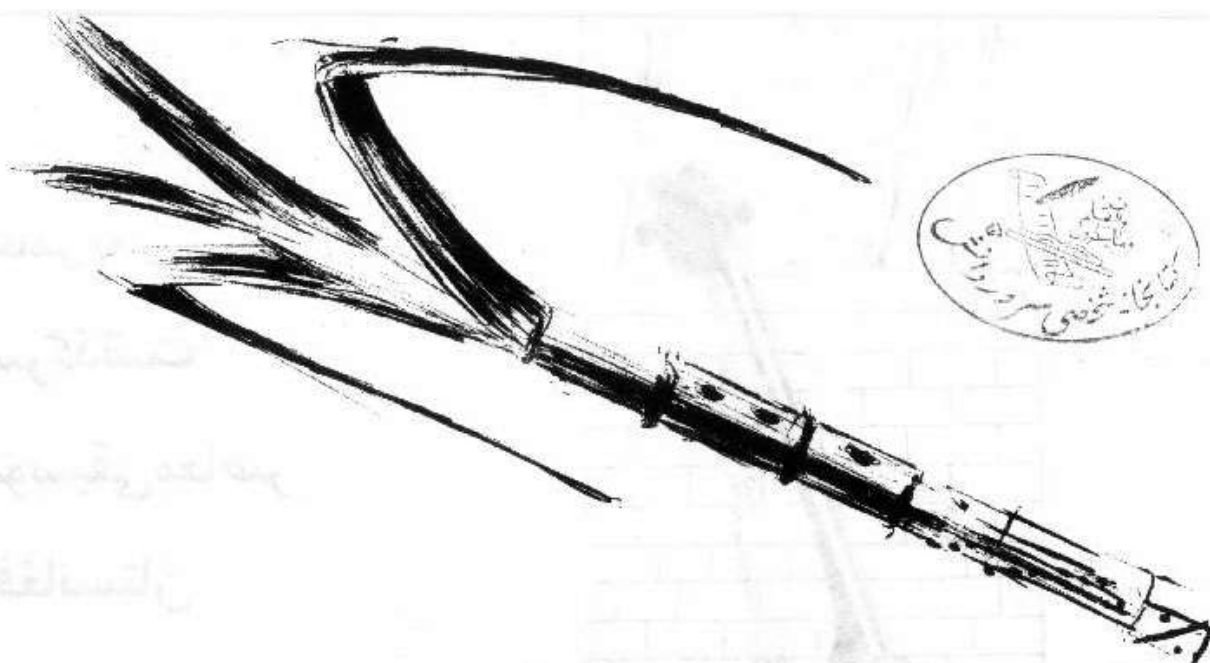
و فرا محلی؛ حضور آنان در رادیو و تلویزیون - بویژه کابل - بوده، آیا می‌توانیم مطمئن شویم که در این کتاب از تمام هنرمندان موسیقی نامی برده شده است؟

ما معرفی کتاب را از فصل آغاز آن - انواع و سبکهای موسیقی در افغانستان امروز - شروع می‌کنیم. هرچند انتظار می‌رود آغاز کتاب با توجه به عنوان آن سرگذشت موسیقی... حکایتگر اوضاع موسیقی در مقطعی از تاریخ باشد که مشخص نیست نویسنده چرا مطالب کتاب را این چنین تنظیم کرده است:

بخش آغازین فصل نخست به معرفی گونه‌های موسیقی سازی می‌پردازد. اما مشکل از همان آغاز خود را نشان می‌دهد که در ادامه بارها و بارها و در فصلهای مختلف نیز با آن مواجهیم و آن، ناهمسانی و عدم تناسب اطلاعات داده شده است. به طور نمونه در همین بخش آهنگهای مذهبی این گونه معرفی شده:

«این نوع آهنگها معمولاً در روزهای مذهبی مثل عاشورا و میلادالنبی و در مواردی هم در مجالس عزاداری و فاتحه خوانی توسط نعت خوانان و روضه خوانان در محافل و مجالس که به مناسبتهای یادشده برپا می‌شوند و همچنان در شبهای جمعه در خانقاههای کشور اجرا می‌شوند، اشعار این آهنگها بیشتر حمدها و نعتها و اشعار عرفانی و صوفیانه هستند.^۴»





اما پس از آن نویسنده به معرفی آهنگهای طنز آمیز و انتقادی می‌پردازد. که حدود هفت صفحه را به خود اختصاص داده است. توصیفی طولانی از این گونه آهنگها که تاریخچه، نمونه و معرفی هنرمندان و نمونه اشعار و... شامل است.^۵ در حالی که آهنگهای مذهبی هم از لحاظ قدمت و هم از لحاظ وسعت، به معرفی بسیار بیش از آنچه آمده، نیاز داشت.

در بخش دوم - موسیقی سازی - نویسنده تحت عنوان سازهای منفرد به معرفی هفت گونه از سازها می‌پردازد. از این قسمت مشکل دیگری در تألیف و تنظیم کتاب خود را نمایان می‌سازد و آن عدم تدوین و تفکیک دقیق مطالب و ایجاد ارتباط میان آنان است بطوری که نویسنده ناچار می‌شود هفت ساز یاد شده را مجدداً در فصل چهارم کتاب سازهای محلی افغانستان - معرفی کند.

در بخش بعدی کتاب، سبکهای موسیقی محلی افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این قسمت نیز نویسنده به تناسب اطلاعات در دست داشته و موجود، به انواع سبکها عنایت داشته است. به طور مثال موسیقی لوگری به صورت کاملتر نسبت به دیگر سبکها معرفی شده است ولی موسیقی هراتی فقط در پنج سطر معرفی شده و سبک موسیقی قندهاری نیز همینطور.

با این حال مجدداً فصل سوم به موسیقی لوگری و فصل چهارم به موسیقی هراتی پرداخته است. روشن است تنظیم مطالب به این شکل - که منجر به تکرار می‌شود - شیوه خوبی نیست.

فصل دوم، سوم و چهارم کتاب که به ترتیب اختصاص دارد به موسیقی پشتو، لوگری و هراتی نیز به تناسب اطلاعات موجود در نزد نویسنده تحریر یافته است. و از عناوین آنها

پیدا است که دارای اطلاعات پراکنده‌ای است. اگر همه مطالب بخش دو فصل کتاب، در یک فصل متمرکز می‌آمد، بسیار بهتر بود.

در فصل پنجم وارد مرحله جدیدی از مباحث کتاب می‌شویم. یعنی ورود موسیقی هندی به افغانستان و ظهور استاد قاسم و استاد غلام حسین. بحث بسیار ضروری و کارآمد در مورد فوق:

«از حدود یکصد و سی سال قبل موسیقی افغانستان دستخوش موج بزرگ شد، موجی که از کشور هندوستان سرازیر شد و در اندک زمانی موسیقی رسمی کشور را در جریان دیگری انداخت. موج قوی و پر دامنه‌ها موسیقی هندی، جریان غالب را در کشور ما شد و سبکهای موسیقی محلی این سامان یا متروک شدند یا با تأثیر شدید از این سبک، به حیاتی در حاشیه آن ادامه دادند.»^۶

می‌توان گفت که اصل کتاب - با توجه به عنوان آن - از همینجا آغاز شده است و تنها بخش منظم و سامان یافته تاریخی کتاب همین فصل پنج است. با توجه به اینکه تاریخ موسیقی مورد نظر نویسنده از همین فصل آغاز می‌شود پسندیده‌تر این بود که آغاز کتاب نیز باشد و دیگر اطلاعات در ادامه به تناسب موضوع و تاریخ رویدادها ارائه می‌گردید تا هم ارتباط منطقی‌تر میان این همه اطلاعات ارزنده و مفید ولی پراکنده و ناهماهنگ برقرار می‌شد و هم خواننده استفاده بهتری می‌برد. ناگفته نماند که تنها یک فصل از هفده فصل کتاب واقعاً سیر تاریخی موسیقی را دنبال می‌کنند.

در ادامه فصل پنجم سخن از استاد قاسم و استاد غلام حسین دو تن از بزرگان موسیقی و کسانی که به موسیقی هندی در افغانستان روحی و رنگ و روی افغانستانی بخشیدند^۷ و آن را جایگزین موسیقی خراسانی کردند، به میان آمده است و زیست‌نامه هنری آنان ارائه

شده است.

فصل ششم کتاب - ستونهای چهارگانه موسیقی معاصر افغانستان نام دارد که به استاد قاسم، استاد غلام حسین، استاد نبی گل و استاد محمد حسین سرآهنگ پرداخته است. همان گونه که متوجه شده‌اید به دلیل مشکلاتی که در تنظیم و تفکیک کتاب وجود داشته و دارد، استاد غلام حسین و استاد قاسم مجدداً مورد بحث قرار می‌گیرند.

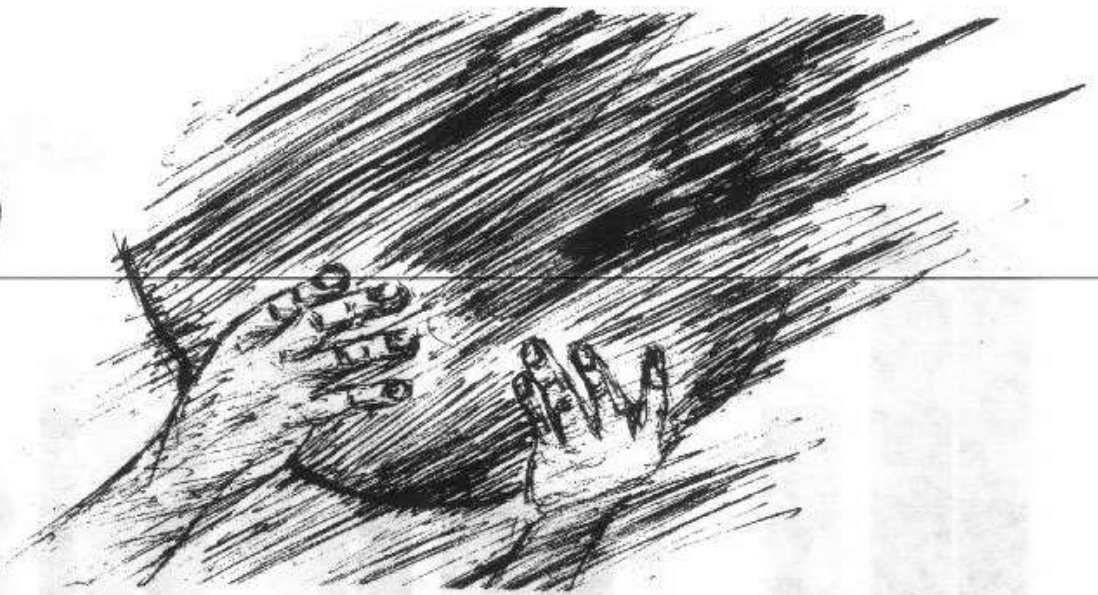
البته این فصل زندگینامه نسبتاً مبسوطی از پدر موسیقی افغانستان - استاد محمد حسین سرآهنگ - دارد:

او فرزند شادروان استاد غلام حسین بوده و در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در کوچه خواجه خوردک واقع در خرابات کابل دیده به جهان گشود... (پدرش) او را به کشور هند برد تا شاگرد استاد عاشق علی خان بنیانگذار مکتب موسیقی «پتیاله» گردد.

... از جمله القاب هنری که استاد سرآهنگ بدانها نایل گشته بود می‌توان اینها را نام برد: لقب «کوه بلند موسیقی» از دانشگاه «چندیگر» هند، لقب «ماستر»، «داکتر» و «پروفیسر» موسیقی از دانشگاه کلاکندرا در شهر کلکته، لقب «سرتاج موسیقی» از دانشگاه مرکزی در شهر الله آباد هند، لقب «بابای موسیقی»، «شیر موسیقی»^۸... به آواز استاد سرآهنگ بیشتر از استاد دیگر سروده‌ها، غزلها و راگهایی در آرشیف رادیو افغانستان باقی مانده که تعداد آنها به بیش از چهارصد پارچه می‌رسد. این آثار گرانبها گنجینه‌ای است از هنر موسیقی، از دوره کلاسیک تا موسیقی همه‌پسند زمان حاضر.^۹ کتاب از فصل هفتم تا هفدهم با اطلاعات متنوع و چند جانبه‌ای از موسیقی افغانستان ادامه پیدا می‌کند:

۷ - آواز خوانان معروف افغانستان.

۸ - غزلخوانان.



ارزشمند و منحصر به فردی باشد برای تمامی هنرمندان، فرهنگ دوستان و علاقه‌مندان و نیز مرجعی باشد برای تاریخ‌نگاران و دانش‌پژوهان. همچنین با توجه به شرایط پیش آمده، کتاب برگ زرتینی خواهد بود در جهت پاسداری از داشته‌های عرصه اصالت فرهنگ و هنر موسیقی. و اثر افتخارآمیز و ماندگاری برای جناب استاد مددی.

از نکات مثبت کتاب ویراستاری محمد کاظم کاظمی - شاعر و نویسنده معاصر - است که در جای جای کتاب مشهود است. کتاب زیر عنوان «مؤخره» جمع بندی و نتیجه‌گیری نویسنده از اوضاع امروز موسیقی را داراست. همچنین:

- ۱ - ترجمه شعرها و عبارتهای پشتو (مندرج در کتاب)
- ۲ - فهرست منابع.
- ۳ - فهرست نامها.
- ۴ - فهرست اصطلاحات و وسایل موسیقی. که در پایان کتاب آمده است، اقلام مفیدی است که برای مراجعان موضوعی کتاب و محققان راهگشایند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - کتاب سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان، ص ۳
- ۲ - همان، ص ۱۶.
- ۳ - همان، ص ۱۷.
- ۴ - همان، ص ۳۲.
- ۵ - همان، ص ۳۲.
- ۶ - همان، ص ۱۰۹.
- ۷ - همان، ص ۱۱۴.
- ۸ - همان، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
- ۹ - همان، ص ۱۴۲.
- ۱۰ - همان، ص ۳۳۱.
- ۱۱ - همان، ص ۲۲۹.
- ۱۲ - البته تعبیر «فعلی» در این شرایط نمی‌تواند چندان درست باشد.

مفهوم واقعی کلمه و باساختارهای لازم هنری و علمی‌شان هرگز به وجود نیامده و درحال حاضر نیز جای همچو آرکسترهایی که در رأسشان آرکستر قرار داشته باشد و آثاری جدی به وجود بیاورد در حلقه‌های هنری کشور ما - با کمال تأسف خالی است...^{۱۱}

این توضیحات هرچند بسیار خلاصه شد و اندک، می‌تواند تصویر کاملتری از واقعیت موسیقی فعلی^{۱۲} ما، که قدرت و اقبال زیادی نیز دارد - به خوانندگان ترسیم نماید. اما نویسنده در برابر بسیاری از موضوعات که به توضیح او سخت نیازمند بوده، بی‌اعتنا می‌گذرد. مثلاً نویسنده تمام نوازندگان آلات موسیقی اروپایی را معرفی نموده است اما بحثی را بدان اختصاص نداده که: اصولاً سازهای اروپایی چگونه وارد موسیقی افغانستان شدند و در مواجهه با این موسیقی، چه کارکردی داشتند؟ و چگونه در قالب موسیقی افغانستان موفق شدند ملودی‌ها و آهنگهای این موسیقی را طبق ذائقه مردم پیاده کنند؟ بحثی که با دو سرگذشت «موسیقی معاصر افغانستان» نیز بسیار مرتبط است.

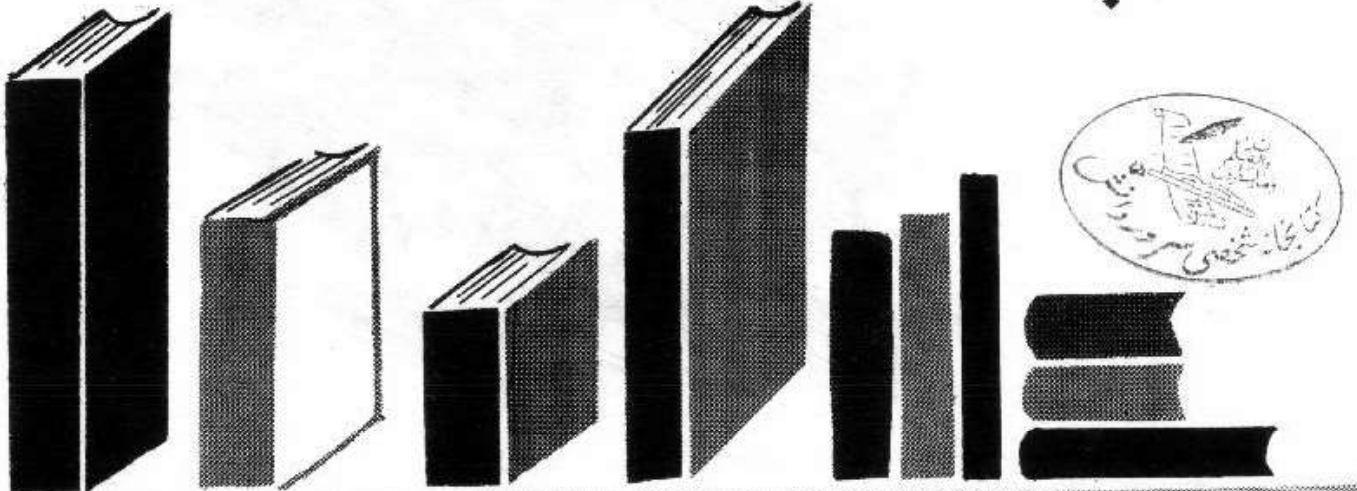
اصولاً کمبود بحث تخصصی در بسیاری از جاها خود را نمایان ساخته است و کتاب را تنها حاوی اطلاعات و دانستنیهای عمومی درباره موسیقی افغانستان کرده است. با این حال و روزگار و در شرایط کنونی - که فرهنگ و هنر و موسیقی در سیاهترین دوران خود قرار دارند - انتظار نمی‌رود تا سالها کسی بتواند چنین مجموعه‌یی را فراهم ساخته و منتشر نماید. متأسفانه اشکالات وارده بر کتاب نیز تا اندازه‌ای در گروه همان نابسامانی‌ها است. و از آنجا که نویسنده محترم قصد دارند چاپ دوم کتاب را مَصور - و ان‌شاءالله خالی از ایرادهای مطرح شده - عرضه نماید، انتظار این است که کتاب استاد مددی تا سالها، اثری

- ۹ - حمد خوانان و نعت خوانان.
- ۱۰ - هنرمندان شوقی - آماتور.
- ۱۱ - زنان آوازخوان.
- ۱۲ - نهادهای آموزشی موسیقی در افغانستان.
- ۱۳ - آرکسترها و رهبران آرکستر در افغانستان.
- ۱۴ - سازهای محلی افغانستان و نوازندگان معروف آنان در سده روان.
- ۱۵ - نوازندگان آلات موسیقی هندی در افغانستان.
- ۱۶ - نوازندگان آلات موسیقی اروپایی در افغانستان
- ۱۷ - آهنگسازان معاصر افغانستان.

با مطالعه فصلهای یادشده درمی‌یابیم که در هر جنبه از موسیقی افغانستان و سازها، نوازندگان مختلف، آهنگسازان و... دانستنیهای کمیاب و ارزشمند هر چند اندک را می‌توان به دست آورد. البته نویسنده در آغاز برخی از فصلها آگاهیهای بسیار کم راجع به موضوع مورد بحث ارائه کرده است که با توجه به سابقه نویسنده و تخصص او در این زمینه می‌توانست کاملتر باشد تا بهره‌های فراوانی از آن گرفته می‌شد. «اگر قبول کنیم که ما در کشور خود در عصر حاضر آواز خوانان، نوازندگان و حتی در یکی دو مورد، رهبران آرکستر ورزیده، توانا و ماهری داشته‌ایم که نه تنها در سطح کشور خودمان بلکه شناخته شده در سطح بین‌المللی بوده‌اند، باید این واقعیت تلخ را نیز پذیرا باشیم که در قلمرو موسیقی کشور خویش - به ویژه در سالهای اخیر و جز تعدادی انگشت شمار از استادان معروف موسیقی آهنگسازانی نداشته‌ایم که حرفه و مسلک اصلی‌شان آهنگسازی باشد.»^{۱۳}

هر چند در تاریخ موسیقی کشور ما آرکسترهای سمفونی، مجلسی، جاز و استرادیو

کتابخانه



شعر

شعر مقاومت افغانستان (دفتر اول)

این کتاب مجموعه سروده‌های نوزده شاعر مهاجر هموطن است که به کوشش «محمد کاظم کاظمی» و «محمد آصف رحمانی» گردآوری و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تهران چاپ و منتشر شده است.

چاپ دوم مجموعه مذکور در سال ۱۳۷۱ در ۱۳۶ صفحه و بهاء ۶۸ تومان توسط همان ناشر صورت گرفته است.

شعر مقاومت افغانستان (دفتر دوم)

دفتر دوم شعر مقاومت افغانستان، اشعار چهل تن از شاعران مقاومت را در بر دارد که به کوشش «سید ابوطالب مظفری» و «سید نادر احمدی» گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری تهران چاپ و در سال ۱۳۷۲ با بهاء ۲۱۰ تومان و در ۲۱۲ صفحه منتشر شده است.

صبح در زنجیر

این کتاب، مجموعه شانزده سروده از شاعران مقاومت افغانستان است که به کوشش محمد کاظم کاظمی گردآوری و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تهران چاپ و در سال ۱۳۷۱ با بهاء ۳۶ تومان و در ۷۲ صفحه منتشر شده است.

تبر و باغ گل سرخ (دفتر اول)

این کتاب حاوی سوگسورده‌های شاعران معاصر افغانستان است که در رثای «هبر حزب وحدت اسلامی افغانستان» استاد شهید «عبدالعلی مزاری» سروده شده‌اند. مجموعه مذکور به کوشش «محمد شریف سعیدی» تدوین و توسط مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان چاپ و در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.

تبر و باغ گل سرخ (دفتر دوم)

این کتاب دفتر دوم سوگسورده‌های شاعران معاصر افغانستان در رثای استاد شهید عبدالعلی مزاری است که به کوشش محمد شریف سعیدی و توسط مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان در دومین سالگرد آن شهید با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و در ۱۸۴ صفحه در زمستان سال ۱۳۷۵ منتشر شده است.

سوگنامه بلخ

این کتاب، نخستین مجموعه شعر شاعر توانمند معاصر افغانستان سید ابوطالب مظفری است که توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و در سال ۱۳۷۲ با تیراژ ۳۳۰۰ نسخه در ۸۰ صفحه، به قیمت ۴۷ تومان منتشر شده است.

پیاده آمده بودم...

این کتاب نخستین مجموعه شعر شاعر نام آشنای کشور مهندس «محمد کاظم کاظمی» است که توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و منتشر شده است. چاپ دوم مجموعه مذکور در سال ۱۳۷۵ توسط همان ناشر به قیمت ۲۱۰ تومان، در ۱۲۲ صفحه صورت گرفته است.

شعله بلخ

این کتاب سرگذشت شورانگیز «رابعه بلخی» است که «ناصر طه‌پوری» در سال ۱۳۴۴ به رشته نظم درآورده است. چاپ دوم این کتاب توسط «انتشارات اهل قلم» در زمستان ۱۳۷۵ صورت گرفته است.

از چین رنگ

این کتاب، گزیده غزلیات بیدل است که به کوشش محمد کاظم کاظمی، مجید نفاقت و مصطفی محدثی خراسانی گردآوری و در سال ۱۳۷۱ در ۲۰۶ صفحه و به قیمت ۱۴۰ تومان منتشر شده است.

رباعیات بیدل

این کتاب برگزیده رباعیات بیدل دهلوی است که به کوشش عبدالغفور آرزو و توسط انتشارات ترانه چاپ و در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و به قیمت ۵۵۰ تومان منتشر شده است.

سومین مجمع شعر انقلاب اسلامی افغانستان

کتاب مذکور مجموعه شعرهای شعرای افغانستان است که در «سومین مجمع شعر انقلاب اسلامی افغانستان» ارائه و توسط دفتر نمایندگی آیتالله خامنه‌ای در امور افغانستان، گردآوری و در انتشارات «مؤسسه فرهنگی ثقلین» چاپ و با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه، به قیمت ۴۰۰ تومان منتشر گردیده است.

وقتی کبوتر نیست!

این کتاب نخستین مجموعه شعر شاعر جوان و معاصر افغانستان «محمد شریف سعیدی» است که توسط «مؤسسه فرهنگی آفرینه» چاپ و با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.

خاکستر صدا

نخستین مجموعه شعر سید فضل‌الله قدسی شاعر مجاهد کشور است که توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه و به قیمت ۱۴۰ تومان منتشر شده است.

جنگ ادبی هنری



سوره، بجه‌های مسجد (شماره ۳۹، ویژه افغانستان)

این کتاب مجموعه آثار ادبی نوجوانان افغانستانی است که به کوشش نویسنده ایرانی «جواد جزینی» گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ایران چاپ و در سال ۱۳۷۵ با قیمت ۱۹۰ تومان در ۱۲۰ صفحه منتشر شده است.

سوره، بجه‌های مسجد (شماره ۴۴، ویژه افغانستان)

این کتاب نیز از سری سوره بجه‌های مسجد است که آثار ادبی نوجوانان مهاجر افغانستان را در بردارد. مجموعه مذکور به کوشش «سید میرزا حسین بلخی»، «محمد حسین محمدی» و «غلامحسن بومان» گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و در سال ۱۳۷۵ با قیمت ۳۱۰ تومان منتشر شده است.

شانه‌های زخمی پامیر

این کتاب، مجموعه ادبی - هنری است که نمایشگر جلوه‌هایی از ادبیات و هنر مقاومت افغانستان شامل خاطره، شعر، قصه، مصاحبه، نقد و نظر و معرفی کتاب است که پژوهشگر و شاعر ایرانی محمد حسین جعفریان آن را گردآوری و تدوین و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آن را در سال ۱۳۷۱ با تیراژ ۶۶۰۰ نسخه چاپ و منتشر کرده است.



خاطرات جهاد افغانستان

دسته‌های خالی

اولین مجموعه از سری خاطرات جهاد افغانستان است که سید فضل‌الله قدسی خاطرات خود را از دوران جهاد به رشته تحریر درآورده و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۳ آن را چاپ و منتشر کرده است.

برچه‌های سرخ، کوچه‌های سبز

این کتاب یادداشتهای سفر رضا برجی خبرنگار و فیلمبردار ایرانی به افغانستان است که توسط حوزه هنری در سال ۱۳۷۳ چاپ و با قیمت ۲۸۶ تومان در ۲۲۰ صفحه منتشر کرده است.

آغاز یک پایان

کتاب مذکور خاطرات مرحوم قهار عاصی از روزهای سقوط کابل توسط مجاهدین است که توسط حوزه هنری در سال ۱۳۷۵ با قیمت ۲۸۰ تومان در ۸۰ صفحه چاپ و منتشر شده است.

در پگاه بلخاب

این کتاب پنجمین مجموعه از خاطرات جهاد افغانستان است که به کوشش عبدالرحیم فهیمی جمع‌آوری و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۳۰۰ نسخه، چاپ و منتشر شده است.

آخرین نسل

کتاب فوق‌نهمین سری از خاطرات جهاد افغانستان است که یادکردی است از شهدای «پشمکه» و «خرماکه» به کوشش آقایان م. جلالی، و «سید ابراهیم مرتضوی» تهیه و تنظیم و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۳۰۰ نسخه و با قیمت ۳۳۰ تومان چاپ و منتشر شده است.





بدرود خاک اوتیاء

دهمین مجموعه از خاطرات جهاد افغانستان از مجاهدین هرات و شمال افغانستان است که به کوشش حمزه واعظی گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۱۲۰ صفحه با قیمت ۲۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

زیر آسمان کابل

کتاب مذکور یادداشتهای روزانه محمد حسین فیاض در کابل است که توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ چاپ و منتشر شده است.

فرهنگ عامیانه

پشت کوه قاف

کتاب مذکور دفتری است از قصه‌های عامیانه هزارستان که حاوی ۱۷ افسانه می‌باشد و به کوشش محمد جواد خاوری گردآوری و تدوین و توسط مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان انتشارات سراج در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۳۰۰ نسخه، در ۲۴۴ صفحه و با قیمت ۵۵۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

داستان

دشت قاپیل

کتاب مذکور مجموعه هفت داستان کوتاه سپوزمی زریاب است که چاپ دوم آن را انتشارات جهان اندیشه کودکان مشهد در سال ۱۳۷۳، در ۱۱۲ صفحه انجام داده است.

نقد خلیلی

کتاب مذکور پژوهشی گذرا است در جهان‌نگری مرحوم «خلیل‌الله خلیلی» که عبدالغفور آرزو آن را نوشته و انتشارات ترانه مشهد چاپ و در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۱۵۰۰ نسخه منتشر کرده است.

روزنه جلد‌های ۱-۲-۳

این مجموعه سه جلدی تألیف شاعر و ناقد نام‌آشنای کشور محمد کاظم کاظمی است که در فاصله سالهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴ به رشته تحریر درآمده و توسط کانون شعرا و نویسندگان امور تربیتی خراسان به چاپ رسیده است.

جلد اول این کتاب اختصاص دارد به آموزش عناصر شعر خیال، زبان و موسیقی. جلد دوم آن را مباحث شعر نو و عناصر معنوی تشکیل می‌دهد. و در جلد سوم اشعار ده تن از شاعران مطرح مورد نقد قرار گرفته است. از خصوصیات این مجموعه زبان ساده و تازگی شیوه بیان مطالب آن است.

سروها و توفانها

دومین مجموعه خاطرات جهاد افغانستان است که به کوشش حمزه واعظی گردآوری و تدوین شده است. این مجموعه شامل خاطراتی از مجاهدین مناطق هزارستان و هرات می‌باشد که توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۳ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۱۲۰ صفحه و با قیمت ۱۶۵ تومان چاپ و منتشر شده است.

سید! خداحافظ

مجموعه ششم از خاطرات جهاد افغانستان است که شامل خاطراتی از مجاهدین هزارستان و ترکستان و هرات می‌باشد. مجموعه مذکور به کوشش حمزه واعظی گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۸۸ صفحه، به قیمت ۲۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

قره

نهمین مجموعه از سری خاطرات جهاد افغانستان از مجاهدین شمال افغانستان و هزارستان است که به کوشش حمزه واعظی گردآوری و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۸۰ صفحه، به قیمت ۱۸۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

سرخ جامگان بامدادی

چهارمین مجموعه از سری خاطرات جهاد افغانستان از مجاهدین کابل شمال، هرات و بامیان است که به کوشش حمزه واعظی گردآوری و تنظیم و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۸۰ صفحه، به قیمت ۱۸۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

میدان هوایی گردیز

هشتمین مجموعه از سری خاطرات جهاد افغانستان از چهار مجاهد است که به کوشش حمزه واعظی تهیه و تدوین و توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۵ با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه، به قیمت ۱۸۰ تومان در ۸۰ صفحه چاپ و منتشر شده است.

